



با رسول الله -صلی الله علیه وسلم- بیعت کردیم که در سختی و آسانی و در خوشی و ناخوشی، و آنگاه که دیگران بر ما ترجیح داده شوند، حرف شنوی و اطاعت نماییم. و این که با حاکمان و فرمانروایان خود، بر سر قدرت منازعه و درگیر نشویم.

عباده بن الصامت - رضی الله عنه - گفت: «با رسول الله -صلی الله علیه وسلم- بیعت کردیم که در سختی و آسانی و در خوشی و ناخوشی، و آنگاه که دیگران بر ما ترجیح داده شوند، حرف شنوی و اطاعت نماییم. و این که با حاکمان و فرمانروایان خود بر سر قدرت منازعه و درگیر نشویم، مگر اینکه کُفر آشکاری از آنان مشاهده کنیم که نزد الله متعال برایمان دلیل و حجتی باشد، و (همچنان بیعت نمودیم بر) اینکه هر کجا که باشیم حق را بگوییم، و از هیچ سرزنش سرزنش گری در راه الله متعال، نترسیم».

[صحیح است] [متفق علیه]

(بايعنا) بیعت کردیم، یعنی صحابه - رضی الله عنهم - با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بر شنیدن و اطاعت کردن بیعت کردند؛ زیرا الله متعال می فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ** "ای کسانی که ایمان آورده اید از الله متعال اطاعت کنید و از رسول الله و ولی امر (حکمرانان) خویش اطاعت کنید"، پس از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - ولی امر (حکمرانان) دو گروه هستند: علما و حاکمان؛ که علماء در علم و بیان آن ولی امر هستند، و حاکمان در اجرای (احکام) و حکمرانی ولی امر هستند. اینکه می گوید: "بر شنیدن و اطاعت کردن در سختی و آسانی بیعت کردیم" یعنی: چه اینکه رعیت در رفاه و آسایش باشند، یا در سختی و تنگدستی، بر همه آنان چه ثروتمند باشند یا نیازمند، اطاعت ولی امرشان و شنیدن کلامشان در خوشی ها و ناخوشی ها واجب است، یعنی: چه اینکه رعیت از اوامر ولی امرشان ناخشنود باشند، برای اینکه به کاری امر کرده اند که مخالف پسند آنان باشد، یا از امرشان خشنود باشند برای اینکه موافق میل و خواسته آنان باشد. «وَأَثَرَةُ عَلِينَا»، اثره یعنی: یعنی برگزیدن و ترجیح دادن بر ما، یعنی اگر حاکمان مال عمومی یا غیره را برای رفاه خویش به کار بردند و مردم را از آن محروم کردند، در این صورت نیز شنیدن و اطاعت کردن از آنان واجب است. سپس گفتند: "وَأَلَّا نَنَازِعَ الْأَمْرَ أَهْلَهُ"، "و اینکه با حکمرانان منازعه نکنیم"، یعنی: با حکمرانانی که الله متعال آنان را بر ما حکمفرما کرده اند بر سر گرفتن حکم شان درگیر نشویم، چونکه این منازعه موجب فساد زیاد و فتنه ی بزرگ و دوگانگی و اختلاف بین مسلمانان می شود، چنانچه از زمان (خلافت) عثمان - رضی الله عنه - تا کنون چنین بوده است. گفتند: «إِلَّا أَنْ تَرَوْا كُفْرًا بَوَاحًا عِنْدَكُمْ فِيهِ مِنَ اللَّهِ بَرَهَانٌ»، "مگر اینکه از آنان کفر آشکاری مشاهده کنید که از سوی الله متعال بر آن دلیل و برهانی داشته باشد". به این ترتیب وجود چهار شرط برای درگیری و اختلاف با فرمانروایان بیان می کند که با موجودیت این چهار شرط، درگیری و اختلاف با آنها مشروعیت می یابد؛ و در این صورت تلاش می کنیم تا آنها را از جایگاهی که دارند به زیر بکشیم؛ و این شروط عبارتند از: اول: «أَنْ تَرَوْا» اینکه ببینید؛ باید از روی آگاهی باشد، اما مجرد گمان و ظن، نافرمانی و خروج علیه حکمرانان جایز نیست. دوم: آگاهی داشتن از کُفر آنان نه مجرد گناه، زیرا هر قدر که حاکمان مرتکب گناهان شوند، خروج علیه آنان جایز نیست، اگر شرابخواری کردند، اگر زناکاری کردند، اگر بر مردم ظلم کردند، با این همه، خروج علیه آنان جایز نیست، مگر کُفر واضح و آشکار شده ای از آنان مشاهده کنیم که در آن صورت خروج بر آنها مشروعیت می یابد. سوم: کُفر آشکار؛ و این به معنای کُفر واضح است، آشکار یعنی: چیزی روشن و ظاهر شده، اما چیزی که احتمال توجیه کردن داشته

باشد جایز نیست به خاطر آن نافرمانی کنیم، یعنی اگر تخمین زدیم که آنان کاری انجام داده اند به نظر ما کفر است ولی احتمال آن وجود دارد که کفر نباشد جایز نیست با آنان منازعه کنیم و بر علیه آنان خروج کنیم و به اطاعت و فرمانبرداری از آنها پشت نماییم؛ اما اگر کفر واضح و آشکاری از آنها سر بزند، مثلاً باور داشته باشد که زنا و شرابخواری مباح است، در این صورت خروج بر آنها مشروعیت می یابد. شرط چهارم: "عندکم فیه من الله برهان"، "که از جانب الله برایمان دلیل و حُجَّتی باشد"، یعنی: نزدمان دلیل قاطع و ثابتی بر این کفر وجود داشته باشد، اما اگر دلیل ضعیفی و ثابت نشده ای باشد یا دلالت بر آن ضعیف باشد، جایز نیست بر علیه آنان خروج کنیم، چونکه نافرمانی آنان زیان و فساد بسیار بزرگی به دنبال دارد. و اگر همه ی این موارد را شاهد بودیم، جایز نیست بر آنان خروج کنیم تا اینکه توان و قدرت نابودی آنان را داشته باشیم، و اگر در توان رعیت نبود جایز نیست با آنان منازعه و بر علیه آنان خروج صورت گیرد؛ زیرا در صورتی که رعیت توان منازعه و مبارزه با آنان را نداشت و با آنان منازعه کردند بقیه ی مردم نیکوکار را از بین خواهند برد، و بر آنان مسلط خواهند شد. بنابراین این شروط، شرط های جایز بودن یا واجب بودن - واجب بودن نافرمانی در مقابل حکمرانان - هستند، اما به شرطی که توان و نیرو وجود داشته باشد، ولی در صورت عدم وجود توان و نیرو، خروج علیه آنان جایز نیست؛ زیرا در این حالت نافرمانی بی فایده است.

<https://sunnah.global/hadeeth/fa/show/3061>



النجاة الخيرية
ALNAJAT CHARITY

